



بازنمایی آموزش الکترونیکی در استعاره‌های دانشجویان

مریم برادران حقیر*

زینب کرمخانی**

چکیده

هدف این پژوهش، ارائه استعاره‌های مفهومی شکل گرفته نزد دانشجویان درباره آموزش الکترونیکی است تا شناختی عمیق و چندجانبه درباره احساس دانشجویان در موقعیت ایجاد شده نسبت به آموزش الکترونیکی فراهم کند. به این منظور در این پژوهش کیفی، با ۵۱ نفر از دانشجویان (۴۲ نفر زن و ۹ نفر مرد) رشته علوم تربیتی که در طول ترم تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به شیوه آموزش الکترونیکی در پردیس دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه مازندران در حال تحصیل بودند مصاحبه شد. سؤالات تنظیم شده از طریق پیام‌رسان‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌گرفت تا ایشان ادراک خود را نسبت به آموزش الکترونیکی قبل از این دوره و پس از ورود به این دوران بیان کنند و تجارب مثبت و منفی و استعاره‌های احتمالی شکل گرفته را بازگو نمایند. در نهایت از تحلیل و معنادگی به مفاهیم که گاه آشکار و گاه پنهان به استعاره‌ها اشاره کرده بودند یافته‌ها استخراج شدند. یافته‌ها ده استعاره را نشان می‌دهند که در سه رویکرد مثبت، منفی و مبهم به آموزش الکترونیکی دسته‌بندی شدند.

واژگان کلیدی

آموزش الکترونیکی، استعاره، دانشگاه، یادگیری، عدالت آموزشی، پیچیدگی

* استادبار، گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی دانشگاه امام صادق، تهران، ایران baradaran@isu.ac.ir

** استادیار، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران z.karamkhani@umz.ac.ir

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: مریم برادران حقیر

مقدمه

استعاره (metaphora) از مفاهیم پر اهمیت در زبان‌شناسی شناختی است که اول بار توسط لیکاف و جانسون با کتاب «استعاره آنچه با آن زندگی می‌کنیم» مطرح شد. آنها بیان کردند استعاره رابطه بین زبان و تفکر است؛ توصیفی است که با یافتن شباهت بین پدیده‌ها به تبیین آنها و روشن کردن ذهن کمک می‌کند. به گفته لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) «جوهر استعاره فهم و تجربه یک نوع چیز یا تجربه از نوع دیگر است.» فاکتر و ترنر (Faulconnier & Turner, 2002) معتقدند استعاره مفهومی، ادغام مفهومی با ترکیب ایده‌ها در فضای ذهنی، ترکیبی ایجاد می‌کند و منجر به معانی جدیدی می‌شود (Howei & Bagnall, 2013). استعاره‌ها تصویری از واقعیت‌های تجربی نیستند بلکه تصویری از روابط نظری و در نتیجه ابزارهای تأمل هستند. با استعاره، ادراک به انعکاس بسیار نزدیک می‌شود. استعاره‌ها در میانجیگری بین شیء و موضوع، احساسات را به شناخت، دیدن را به تفکر و بینش را به شهود متصل می‌کنند و بنابراین باید به طور خودجوش قابل قبول و شهودی باشد (Fichtner, 1999).

بنابراین استعاره از ابزارهای کلیدی برای رفع ابهام و پیچیدگی امور است که دستاورهای شگفتی برای بشر پدید آورده است (Darzi, 2018)؛ به عبارت دیگر در جایی که با امری ناشناخته یا پیچیده مواجهیم در مقایسه بین شباهت‌های آنچه ناآشناست با آنچه از قبل می‌شناسیم به درکی ساده از آن پدیده خواهیم رسید مانند: استعاره‌های سازمان به مثابه ماشین یا موجودی زنده، همسان مغز، هم‌چون زندان روح، به عنوان ابزار سلطه، هم‌چون فرهنگ و ... (Alvani, 2019).

استعاره جنبه‌های مختلف اما اصلی یک پدیده را آشکار می‌کند که این جنبه‌ها ممکن است متناقض یا متفاوت باشند؛ بنابراین با استعاره‌های گوناگون، امکان شناخت جوانب یک پدیده به صورت مجزا قابل دستیابی است. تجزیه و در عین حال ترکیب نتایج حاصل استعاره‌ها، خود وحدت وجودی پدیده را به ما خواهد نمایاند؛ یعنی استعاره منشوری است که برای شناخت یک پدیده از حیث کثرت در عین وحدت (تجزیه و تکثر استعاره‌ها) و وحدت در عین کثرت (ترکیب و استعاره واحد) به ما کمک می‌کند. این شیوه تفکر با بهره‌گیری از رهیافت تفسیری و پویا با تجسم خیال‌انگیز پدیده، معرفتی آگاهی بخش را فراهم می‌آورد.

لیکاف و جانسون در نظریه خود که آن را نظریه معاصر استعاره نامیده‌اند نشان می‌دهند که استعاره امری اساساً تزئینی یا مخصوص زبان ادبی نیست و حتی مخصوص زبان نیست بلکه در اندیشه و عمل هر روز ما ساری و جاری است. به نظر لیکاف و جانسون نظام تصویری ذهن بشر، که اندیشه و عمل ما بر پایه آن قرار دارد در ذات خود استعاری است. از منظر این دو نظریه‌پرداز، استعاره ابزاری برای مفهوم‌سازی یک تجربه انتزاعی بر اساس تجربه‌ای ملموس تر است (Golfam & Yousefi, 2002).

در اصل، زبان توصیفی، راهی برای بیان و انتقال تجربه است و استعاره‌های مفهومی، نقش مهمی در درک جنبه‌های مختلف مفهوم‌سازی احساس و تجربه احساسی ایفاء می‌کنند. از این رو در دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های مفهومی نقش مهمی در نظام شناختی بشر دارند و برخلاف گذشته، منحصر به ادبیات و تنها برای زیبایی متون تلقی نمی‌شوند (Vahabian & Izadifar, 2019). امروزه در رشته‌های مختلف، مانند: پزشکی و پرستاری، سیاست‌گذاری، علوم سیاسی، علوم ارتباطات، مدیریت و تعلیم و تربیت، از استعاره بهره گرفته شده است.

زنگویی، شعبانی ورکی، فتوحی و مسعودی (Zangui; Shabani Vorki ; Fotuhi & Masudi , 2010) نقش‌های استعاره را اکتشافی (تأویلی، ابداعی و ...)، انگیزشی، عاطفی، زیبایی شناختی و ادبی (تخیل آفرین، آرایش و تزئین) برمی‌شمرند که در تعلیم و تربیت نیز می‌تواند ابزاری مؤثر باشد. دانایی فرد و شکاری (Danaee Fard & Shekari, 2010) نیز این ویژگی را در سازمان با رویکرد داستان‌سرایی دنبال می‌کنند که در پارادایم تفسیری، فهم معانی سازمانی مدیر را آشکار می‌کند. ابراهیمی، عباسی و کارانجام (Ebrahimi, Abbasi & Karanjam, 2019) در تحقیقی به مدل کهکشانی برای شناخت مقوله پیچیده فرهنگ سازمان پرداختند تا دریچه‌ای جدید برای مدیران در برج پژوهشی بیمارستان علوم پزشکی شیراز فراهم آورند. شهری (Shahri, 2012) به پیوند میان استعاره و ایدئولوژی و درزی (Darzi, 2018) به اهمیت و کارکرد استعاره در پژوهش میان رشته‌ای پرداخته‌اند. در محیط آموزش الکترونیکی شویر (Schwier, 2002) استعاره جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است این استعاره شکلی از انجمن‌های یادگیری را بیان می‌کند که می‌تواند راهبردهایی برای پرورش هم‌فکری و یادگیری پیشنهاد دهد؛ چرا که در تحقیق و بررسی استعاره‌ها که برگرفته از ساخت اجتماعی

است می توان فهمید یادگیرندگان، چگونه در چنین محیطی یاد می گیرند. گالاگر (Gallagher, 2004) در تحقیق خود در آموزش پرستاری نشان می دهد چگونه استعاره شکاف بین نظریه و عمل را تحت تأثیر قرار می دهد. شاید بتوان گفت پژوهش وهابیان و ایزدی فر (Vahabian & Izadifar, 2019) که به کاربرد استعاره در بیان بیماری سرطان می پردازند مثالی از همین اثربخشی باشد.

استعاره ها در بافت اجتماعی گوناگون می توانند توسط سخن گویان یا نویسندگان به کار روند و کارکردهای مختلفی داشته باشند (Shahri, 2012). به گفته لاکوف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) استعاره راهی برای سازمان دادن و ایجاد جنبه های منسجم تجربیات است که در نتیجه می تواند واقعیت هایی را برای ما ایجاد کند و در سیاست نقش ایفاء کند؛ بنابراین فهم استعاره ها با رویکرد اقناعی که دارند می تواند علاوه بر فهم تجربه دیگران، شناخت پدیده از نگاه دیگران و شناخت زوایای پنهان یک پدیده، برای سیاست گذاران راهگشا باشد.

در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به دلیل شیوع بیماری همه گیری کوید-۱۹، نظام آموزشی دچار بحران شد و بنا به شرایط، آموزش الکترونیکی را برای ادامه حیات خود برگزید. مؤسسات آموزش عالی دنیا در واکنش به این وضعیت اضطراری جهانی، مجبور شدند پردیس های دانشگاه ها را تعطیل کنند و به یادگیری آنلاین و ابزارهای دیجیتال رو بیاورند (Karimi, 2021). از آنجا که این شرایط پیش بینی نشده بود و هنوز آمادگی برای مقابله با این چالش آنچنان نبود و نیز زیر ساخت های مناسبی مانند: اینترنت پر سرعت و دسترسی ارزان به آن بسترهای آموزشی (پلتفرم) کلاس درس مجازی توسط مراجع ذی صلاح برای این مواقع در کشور فراهم نشده بود (Hasani et al., 2021). بسیاری از دانشگاه ها که چنین زیرساختی نداشتند روش های مختلفی را پیش گرفتند و اغلب زمینه ای فراهم شد تا تجربه آموزش الکترونیکی برای استادان و دانشجویان فراهم شود. به طور طبیعی چالش های این مسیر کم نبودند چه از نظر فنی، چه از نظر منابع انسانی، اثر بر فرآیند آموزش در دانشجویان و استادان و سایر عوامل دیگر، شرایطی متفاوت ایجاد کرد. سردرگمی های اولیه در کنار شرایط پیش آمده که از جنبه های متفاوت، باب جدیدی را گشود موافقت و مخالفت، احساس خوب و احساس ناخوب را در افراد درگیر در این فرآیند ایجاد کرد؛ به هر حال آموزش الکترونیکی در بستر فن آوری اطلاعات و ارتباطات، دارای معایب و مزایایی

است که با توجه به عملکرد دانشگاه‌ها و ذینفعان مربوطه می‌تواند تجربه‌های متفاوتی را رقم زده باشد.

در واقع آموزش الکترونیکی کاربرد فن آوری وب، شبکه و سایر ابزارهای الکترونیکی به منظور تدریس و خلق تجربیات یادگیری است (Haji et al., 2021). آموزش بر اساس کامپیوتر (CBI) پیامد رویکرد اسکینر است که به زعم بسیاری از منتقدان، فنون آموزش حقیقی را نشان نمی‌دهد و نقش معلم را به حداقل می‌رساند. شرمن پیشنهاد می‌کند CBI به عنوان فعالیت کمکی باشد که نقش معلم سنتی را تهدید نکند. منتقدان می‌گویند این رویکردها سرد و مکانیکی و غیرانسانی هستند و تعامل خودجوش معلم و دانش‌آموز و بین دانش‌آموزان شکل نمی‌گیرد. برخی دیگر به عدم تحقق اهداف پرورشی مطلوب اشاره دارند (Olson, Hergenahn, 2010). تاکنون و حتی قبل از این بحران، دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف بر اساس قوانین به یادگیری الکترونیکی، پاسخ‌های متفاوتی داده بودند. تعدادی از کشورها رویکرد کاملاً آنلاین و تعدادی نیز رویکرد ترکیبی را اتخاذ کرده‌اند که انتخاب هر کدام از این رویکردها وابسته به زیرساخت‌ها و بسترها و مهم‌تر از آن سیاست‌های آموزشی است؛ اما تجربه نشان می‌دهد که اجرای سیستم‌های یادگیری الکترونیکی هنوز با چالش زیادی از جمله: هزینه دسترسی به فن آوری اطلاعات به خصوص در کشورهای در حال توسعه، مهارت‌های فن آوری دانشجویان، سطح عملکرد، نقش استادان، مالکیت اطلاعات، در دسترس بودن منابع، نابرابری‌های اجتماعی در خصوص دسترسی به آموزش آنلاین، وجود تنگناهای اخلاقی در حیطه استاد (مانند نقض حریم خصوصی)، دانشجو (مانند عدم صداقت آکادمیک) و نظام دانشگاهی (مانند کاهش پاسخگویی) روبه‌رو است. قابل اشاره‌اند (Moradi & Kordlu, 2019) که ضرورت و اهمیت سیاست‌گذاری صحیح را در آموزش الکترونیکی نشان می‌دهد. بر همین اساس صادق‌زاده قمصری (Sadeghzadeh Ghamsari, 2020) بیان می‌کند که این شرایط نیازمند ایجاد شایستگی‌های ویژه است که با رسمیت دادن به ساحت مغفول «تربیت برای حضور فعال اخلاقی و دین‌مدارانه در فضای سایبری» فراهم خواهد شد.

به هر حال، استفاده مؤثر از فن آوری جدید، نیاز به ارزیابی آموزش‌های فعلی و حرکت به سمت فعالیت‌های آموزش و یادگیری تعاملی و مشارکتی دارد؛ چیزی که مبتنی بر نظریه تعامل

مطرح شده کرسلی و اشنایدرومن (Kearsley & Shneiderman, 1999) به عنوان الگویی از آموزش و یادگیری مبتنی بر فن‌آوری پیشنهاد می‌شود. ایده اصلی این تئوری این است که دانشجویان باید از طریق تعامل با دیگران و کارهای ارزشمند به طور معناداری درگیر فعالیت‌های یادگیری شوند. در همین راستا ماک‌ها (MOOC: Massive Open Online Courses) تحت وب ۲ دارای چنین مأموریتی هستند. در چنین فضاهای تعاملی بر اساس دیدگاه مورگان (Morgan, 2001) دانشجویان احساس خواهند کرد عضوی ارزشمند از یک جامعه یادگیری هستند و این احساس عضویت انگیزه‌بخش است (Maltby & Mackie, 2009). در یادگیری الکترونیکی، دانشجویان اصلی‌ترین ذینفعان هستند که درک درست آن‌ها از فن‌آوری می‌تواند تأثیر مهمی در پذیرش یادگیری الکترونیکی داشته باشد. هم‌چنین علاوه بر ضرورت پذیرش یادگیرندگان، تغییر رفتار و اظهار آن‌ها نیز لازم است (Mon & Usagawa, 2018). در گزارش سال ۲۰۱۶ درباره روند یادگیری الکترونیک نشان می‌دهد که بیش‌تر کشورهای توسعه یافته پیشرو در رشد یادگیری الکترونیک، بیش از ۴ برابر نرخ رشد متوسط جهانی رشد داشته‌اند. در این میان درک رفتار کاربر در استفاده از فن‌آوری جدید برای تسهیل توسعه آن بسیار مهم است؛ بنابراین شناخت نگاه کاربرها به عبارتی یادگیرندگان به یادگیری الکترونیکی می‌تواند کمک شایانی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های آموزشی در این زمینه بکند.

لذا با توجه به نظرگاه‌های متفاوتی که در این شرایط درباره این نوع آموزش در دانشگاه‌ها بروز کرد بررسی آن از دیدگاه یکی از مهم‌ترین ذینفعان؛ یعنی دانشجویان، نه تنها می‌تواند به ارزیابی نظام آموزشی گذشته و درک شرایط جدید بیانجامد بلکه به دقت در طراحی فرآیند در حال شکل‌گیری مؤثر خواهد بود. از این رو این پژوهش قصد دارد ضمن شناسایی استعاره‌های شکل گرفته، بازنمودی از وضع موجود را ارائه نماید.

بنابراین با سؤالاتی به شرح ذیل سعی شد مشارکت‌کنندگانی که تجربه آموزش الکترونیکی داشته‌اند را به چالش کشیده و استعاره‌های شکل گرفته در ذهن ایشان را تصویر کنیم:

- ۱- تا قبل از شرایط حاضر، تصور شما از آموزش الکترونیکی چه بود؟
- ۲- پس از مواجهه با آموزش الکترونیکی، با چه مزایا و معایبی در این شیوه آموزش آشنا شدید؟

۳- اکنون توصیف دقیقی از تجارب خود ارائه نمایید.

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تحلیل زبانی است. به دلیل شرایط موجود، از دانشجویانی که در طول ترم تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در حال گذراندن دوره تحصیلی به شیوه آموزش الکترونیکی بودند از طریق غیرحضوری مصاحبه شدند؛ بنابراین سؤالاتی تنظیم و در اختیار ۵۱ نفر از دانشجویان (۴۲ نفر زن و ۹ نفر مرد) رشته علوم تربیتی در پردیس خوه‌ران دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه مازندران قرار گرفت و ادراک ایشان نسبت به آموزش الکترونیکی قبل از این دوره، پس از ورود به این دوران، تجارب مثبت و منفی آن و استعاره احتمالی که در ذهنشان هست مورد پرسش قرار گرفت. دانشجویان به صورت مکتوب و صوتی، پاسخ‌های خود را ارسال کردند. پس از بررسی پاسخ‌ها توسط پژوهشگران، در بسیاری از موارد استعاره‌ها بر اساس سایر توضیحات دقیق شدند و در صورت نیاز به توضیح و کنکاش بیش‌تر، سؤالات بعدی طراحی و ارسال شد. در نهایت از تحلیل و معنادهی به مفاهیم که گاه آشکار و گاه پنهان به استعاره‌ها اشاره کرده بودند نتایج استخراج شد. برای نشان دادن استعاره و اعتبار آن، شواهدی در کنار تحلیل ارائه شده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان

تعداد	مقطع	دانشگاه / منطقه جغرافیایی
۱۸	کارشناسی	پردیس دانشگاه امام صادق (ع)
۲۰		دانشگاه مازندران
۸	کارشناسی ارشد	پردیس دانشگاه امام صادق (ع)
۵		دانشگاه مازندران

یافته‌ها

آموزش الکترونیکی به مثابه دارو؛ در نزد دسته‌ای از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش آموزش الکترونیکی که با آن مواجه هستند به دلیل شرایط اضطرار معنا یافته است. این عده معتقدند حتی اگر نظام آموزشی پس از رفع اضطرار، قرار باشد به آموزش الکترونیکی بپردازد پس باید آن را محدود به شرایط ویژه کند؛ چرا که کیفیت چنین آموزشی را قابل قیاس با آموزش حضوری نمی‌دانند.

از دلایل چنین نگاهی: کاهش انگیزه و رقابت علمی، افت نشاط علمی و ضعف کار گروهی و یادگیری جمعی است که با چیز دیگری قابل جایگزینی نیست؛ بنابراین صرف اینکه یادگیرندگان به خاطر شرایط موجود از این بستر استفاده می‌کنند تا از همین «آب باریکه» آموزش الکترونیکی بی‌بهره نمانند و در دام بیماری زندگی بدون یادگیری گرفتار نشوند استفاده از چنین بستری بهتر از بی‌اعتنایی به آن است؛ زیرا «آموزش تعطیل‌بردار نیست» به همین دلیل این مفهوم که آموزش الکترونیکی در صورت وجود و امتداد، می‌تواند مکمل آموزش حضوری باشد شکل می‌گیرد که در مواردی مانند آلودگی هوا، نیاز به جبران کلاسی که به دلایلی برگزار نشده و آموزش‌های تکمیل‌کننده کلاس درس برای یادگیری بیشتر قابل استفاده است. در نهایت می‌توان گفت که استعاره «آموزش الکترونیکی به مثابه دارو» به نوعی بر شرایط حاکم بر ذهن مشارکت‌کنندگان نیز اشاره دارد.

انگار این شرایط اضطراری، ما را مجبور کرده آن را بخوریم. از این روش یادگیری احساس خوبی ندارم؛ برایم مانند دارو کراهت دارد؛ اما به خاطر اینکه ما را به شرایط سلامت و یادگیری نزدیک می‌کند خوب می‌پذیرم... (کارشناسی، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی به مثابه آزادی‌بخش؛ آموزش الکترونیکی با همه چالش‌های که دارد برای عده‌ای از مشارکت‌کنندگان فرصتی تازه برای یادگیری است. آموزش الکترونیکی برای این دسته از مشارکت‌کنندگان جویانگامی شده که خود را عیان کنند و خوانش‌های جدیدی از خود نشان دهند. عده‌ای از یادگیرندگان که در آموزش حضوری کم‌ترین حضور فعال را داشته‌اند در این نوع آموزش نقش پررنگ‌تری را ایفاء می‌کنند و فعالیت‌های بیشتری از خود بروز می‌دهند. گویی جهان یادگیری آنها همان فضای الکترونیکی است و آموزش و یادگیری به رفت و آمدهای روزانه به کلاس ختم نمی‌شود. اینجاست که سنت‌شکنی‌ها و نوآوری‌ها و ساختارشکنی‌ها در امر

آموزش سنتی و حضوری در این استعاره خود را نشان می‌دهد و این نوع آموزش جولانگاه نسلی جدید می‌شود که اصرار دارند از دنیایی که نسل‌های قبلی برایشان ساخته‌اند خود را برهانند و دنیا را با عینک‌های چند بعدی خود از نو بازتعریف کنند. اینها یادگیرندگان هستند که از استبداد آموزشی و برج عاج‌نشینی استادان و قدرت‌های سلسله مراتبی کلافه هستند و در پی دنیای یادگیری آزادانه‌تر و شادتر و متنوع‌تر با توزیع قدرت برابر هستند. آنها به دنبال خوانش جدیدی از قدرت‌های آکادمیک می‌گردند که در فضای مجازی در دسترس‌اند.

من هم به بچه‌داری می‌رسم هم کتاب‌های بیش‌تری می‌خوانم که دوست داشته‌ام؛ فیلم می‌بینم و کارهای هنری می‌کنم و در کل از زندگی لذت بیش‌تری می‌برم. درس هم می‌خوانم و دغدغه حمل و نقل و تلف شدن وقت هم ندارم؛ حتی دارم به این فکر می‌کنم برای ادامه تحصیل خوب است به آموزش الکترونیکی فکر کنم حتی اگر شرایط به حالت عادی برگردد. (کارشناسی، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی یک فن‌آوری دیجیتال و یا یک فضای علمی که در آن ارتباطاتی صورت می‌گیرد و به نظر من مثل یک زنجیره است که باعث برقراری ارتباط بین انسان‌ها می‌شود و روابط در این فضا بیش‌تر شبکه‌ای هست بدون هیچ برتری. (کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران)

آموزش الکترونیکی به مثابه مکعب؛ دسته‌ای از مشارکت‌کنندگان آموزش الکترونیکی را سرد و بی‌روح و فاقد پویایی ارتباطی می‌دانند و این رابطه یک‌طرفه که به دلیل زیرساخت‌ها و بعضاً مهارت استادان در شیوه تدریس تجربه می‌کنند را نمی‌پسندند. آنها معتقد هستند که در آموزش موجود، یادگیری از حالت تعاملی خارج شده است. استعاره مکعب از آموزش الکترونیکی نشان از بحران ارتباطی و انزوا دارد که به محیط یادگیری نیز تسری یافته است. این مشارکت‌کنندگان جهان آموزش الکترونیکی را مکعبی می‌بینند پر از زاویه‌های خشن که در چنین دنیایی رکن اصلی یادگیری؛ یعنی ارتباط و تعامل، مفقود است.

آموزش الکترونیکی روح ندارد و آدم احساس ربات بودن بهش دست می‌دهد. در این آموزش دیالوگ برقرار کردن وجود ندارد. فضاهای غیررسمی حضوری وجود ندارد... آدم احساس تنهایی می‌کند. (کارشناسی، دانشگاه مازندران)

آموزش الکترونیکی به مثابه توانمندساز؛ در مقابل استعاره نخست، استعاره دیگری وجود دارد که احساس خوشایند ورود اضطراری به آموزش الکترونیکی را نمایان می‌کند که گویی با این شیوه آموزش باعث شده توانمندی‌های متفاوتی در آنها ظهور کند. مشارکت‌کنندگان که به چنین استعاره‌ای پرداخته‌اند چنین می‌اندیشند که شرایط ایجاد شده، عقب ماندگی یا ترس از ورود به آموزش الکترونیکی را فرو ریخت و شرایط را برای ورود به چنین میدانی گشود. ایشان به امر یادگیری ترغیب می‌شوند و زمان را بهتر مدیریت می‌کنند. از نگاه ایشان آموزش الکترونیکی ضرورتی است که تاکنون با بهانه‌هایی مورد غفلت قرار گرفته است؛ چرا که این نحوه آموزش می‌تواند بستر تعاملات را افزایش دهد و زمینه‌ساز آموزش‌های بین‌الملل شود. برخی از مشارکت‌کنندگان ضمن تحلیل نگرش خود در قبل و بعد از ورود به این دوره، رشد مهارت‌ها و دانش خود را در زمینه آموزش الکترونیکی مورد نقادی قرار داده و از قرار گرفتن در چنین شرایطی اظهار خرسندی می‌کنند؛ به طوریکه در مواردی اندیشیدن برای ادامه تحصیل به همین شیوه را در برنامه انتخابی خود قرار داده‌اند. از دیگر دلایل توجه به چنین استعاره‌ای، نقاط مثبت آموزش الکترونیکی مانند: ایجاد حق انتخاب بیشتر، انعطاف بالاتر و آزادی زمان برنامه‌ریزی برای سایر فعالیت‌های مورد علاقه خود ذکر کرده‌اند. این دسته از مشارکت‌کنندگان آگاهانه به اهمیت نظم و دوری از اهمال کاری و همراهی با برنامه کلاسی اشاره دارند؛ به عبارت دیگر به یادگیرنده محوری این شیوه آگاه بوده و آن را جذاب ارزیابی می‌کردند.

فضای مجازی، تأثیر مستقیمی بر یادگیری دارد و حتی می‌تواند تأثیر چندین برابری داشته باشد. تجربه من از فضای مجازی نسبتاً خوب بوده؛ چون توانستم طی این مدت تا حدودی تولید محتوا و تهیه کردن آن را یاد بگیرم.... (کارشناسی، دانشگاه مازندران)

قبلاً به آموزش الکترونیکی احساس خاصی نداشتم؛ اما حالا فکر می‌کنم یک ضرورت است. حتی در پیش دبستانی که در حال راه اندازی آن هستیم به طور جدی به آموزش الکترونیکی فکر می‌کنیم. این شرایط باشد یا نباشد واقعاً این شیوه آموزش ضرورت دارد. باید به سروگوشش دستی کشید و چابکش کرد؛ اما راهگشاست هرچند می‌دانم آسیب‌هایی دارد؛ اما مثل عدالت آموزشی یا اهمیت سواد رسانه‌ای باید آنها را حل کرد نه اینکه این آموزش را محکوم کرد... (کارشناسی

ارشد، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی به مثابه تله تئاتر؛ کسانی که به چنین استعاره‌ای اشاره می‌کنند برای آموزش الکترونیکی هویت مستقلی قائل نیستند. ایشان استدلال می‌کنند که زیبایی تئاتر به حضور در صحنه، زنده بودن و حس کردن نقش آفرینان است و الا تئاتر در تله شدنش به چیزی ساختگی و کم‌اعتبار تبدیل خواهد شد. بر همین سیاق، آموزش الکترونیکی را به بازی ساختگی آموزش تعبیر می‌کنند که جعلی است و فاقد لذت یادگیری.

به هیچ وجه کلاس مجازی جای کلاس حضوری را نمی‌گیرد؛ زیرا اصلاً کیفیت آن را ندارد. دیده‌اید وقتی تئاتر واقعی می‌بینید چه حسی دارید؟ حالا همان را از تلویزیون ببینید! خب خیلی فرق دارد تئاتر که نیست... (کارشناسی ارشد، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی به مثابه ظهور نیمه پنهان دیگری؛ عده‌ای از مشارکت‌کنندگان بر جنبه‌ای از این نوع آموزش اشاره می‌کنند که آشکار شدن چهره دیگری از آموزش، یادگیری و روابط انسانی بین مربی و متربی را می‌نمایاند. چنین ظهوری نیز بر نحوه یادگیری و ادراک از خود و دیگری مؤثر است. شناخت روحیه تنوع‌خواهی، شفقت، انعطاف‌پذیری و همراهی و همدلی هم‌کلاسی‌ها، استادان و سیستم پشتیبان آموزش (مانند کارشناس گروه و کادر آموزش)، به صورت‌بندی جدیدی از مفهوم فرهنگ یادگیری منجر شده که پیامد آن تقویت یا تضعیف حس اعتماد است. سطح تکالیف محوله، شیوه حضور و غیاب، استقبال از پرسشگری یادگیرندگان و پیگیری امور مورد نیاز برای یادگیری بهتر، نحوه برخورد در پیگیری امور و ... هر کدام در مشارکت‌کنندگان تصویری از خود و دیگری را ساخته و پرداخته کرده است. دانشجویان مشارکت‌کننده از تکالیف بی‌معنا، پرسشگری مچ‌گیرانه در حین ارائه درس و جملاتی که در مواقع خاص دریافت کرده‌اند این سؤال را می‌پرسند که «آیا من یادگیرنده بالغی نیستم؟» اهمیت چنین استعاره‌ای در آنجاست که فهم تصویر ذهنی ذینفعان (مانند استاد و نظام آموزشی) و خودپنداره دانشجو در شیوه عملکرد او به عنوان یادگیرنده فعال یا منفعل، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو یا کاهش تعهد در مشارکت و کار گروهی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و جامعه دانش‌محور مبتنی بر گفت‌وگو تأثیر می‌گذارد.

بعضی استادها رفتارشان با ما مهربان‌تر شده، انگار سعی می‌کنند ما را درک کنند و این خیلی خوشایند است. حتی در کارهای گروهی بین خود ما دانشجویان، یک جور توافق و تفاهم

بیش تری ایجاد شده، شاید این مربوط به شرایط بحران است نمی دانم؛ اما در عوض بعضی استادها و بچه‌ها برعکس، بچه‌هایی که متعهد نیستند به راحتی از زیر کار در می‌روند یا استادی داریم که یکباره اسم صدا می‌کند و می‌پرسد الان چی گفتم! (کارشناسی، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی به مثابه جعبه سیاه؛ در مقابل استعاره اخیر، عدم درک حضور و قرار گرفتن در فضایی ناشناخته، آموزش الکترونیکی را برای عده‌ای به چیزی شبیه به جعبه سیاه کرده است. پنهان بودن پیامدهای اینگونه آموزش‌ها و ماهیت ارتباط در این فضا از جمله مهم‌ترین دلایلی است که این استعاره را آشکار می‌کند به خصوص در ایران که به خاطر زیرساخت‌ها و ناتوانی در برگزاری کلاس‌های تصویری که در برگزاری آنلاین تنها به صوت و نمایش پاورپوینت اکتفا می‌شود؛ نگرانی برای ایجاد سوء تفاهم احتمالی در گفت‌وگوها در چت روم (گفت‌وگوی کتبی) بدون دیدن چهره، درک زبان بدن و عکس‌العمل طرف مقابل، ضبط شدن صدایی که در حین برگزاری کلاس درس اتفاق می‌افتد به عنوان سندی قابل ارائه و قابل کنترل، فرصت محدود برای ایجاد فضای پرسشگری در حین کلاس درس از جمله مواردی است که این استعاره را قوت می‌بخشد.

من به سکوت کشیده شده‌ام. قبلاً خیلی می‌پرسیدم. استادی هست که در کلاس حضوری خیلی تعاملی بود حالا وقتی دستم را بلند می‌کنم می‌گوید من تمرکز را از دست می‌دهم یا می‌گوید بنویس مینویسم و او خوب نمی‌فهمد منظورم چیست. یکباری هم سوء تفاهم شد برای استادی؛ بنابراین ترجیح می‌دهم سکوت کنم حتی نمی‌بینم چهره‌اش با شنیدن سؤال چه جوری می‌شود؟ او هم نمی‌بیند. اگر استاد را از قبل شناسیم که این مشکل چند برابر است... (کارشناسی، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی به مثابه تسهیل‌گر مدرک (تقویت مدرک گرایی)؛ آیا آموزش الکترونیکی اخذ مدرک دانشگاهی را تسهیل خواهد کرد و در شتاب حرکت به سمت مدرک گرایی رایج اثر خواهد داشت؟ عده‌ای با پیشنهاد توقف موقتی آموزش و موقوف کردن آن به زمانی مناسب برای جلوگیری از کاهش کیفیت آموزش و قوت گرفتن حس سبقت در اخذ مدرک، راه حل ارائه نمودند. عده‌ای تغییر شیوه آموزش را از معلم محوری، آموزش صرف آنلاین و آفلاین، استفاده از فرصت برای تغییر به سوی آموزش پژوهش‌محور و اصلاح شیوه

ارزشیابی تحصیلی را چاره مقابله با چنین چیزی می‌دانند. رفتار عده‌ای از دانشجویان و گفت‌وگویی که در فضای غیررسمی شکل گرفته، نشانه‌هایی از فرصت جویی برای گذراندن سریع‌تر دوره و اخذ مدرک تحصیلی را نشان می‌دهد که نگرانی‌هایی را برای عده‌ای ایجاد کرده است.

تا قبل از این، آموزش الکترونیکی برای من تداعی کننده دانشگاه پیام نور بود؛ اما الان همه دانشگاه‌ها یکسان شده‌اند. من وقتی داشتم انتخاب دانشگاه می‌کردم مدرک معتبرش برایم مهم بود الان چی می‌شود؟ (کارشناسی ارشد، پردیس امام صادق (ع))

اگر کیفیت برای دانشگاه‌ها مهم بود مکتبی می‌کردند. چه لزومی داشت حالا ترم برگزار شود آن هم با این همه شتاب و تکالیف پرت و پلا و کلاس‌های پر از قطع و وصلی. حداقل به سمت آموزش پژوهش محور می‌رفتند. از کیفیت که خبری نیست آخرش که چی؟ فقط داریم می‌دویم، واحد بگیریم که از موقعیت استفاده کنیم و زودتر تمام شود. (کارشناسی، پردیس امام صادق (ع))

آموزش الکترونیکی به مثابه سایه روشن؛ تعدادی از مشارکت‌کنندگان محاسن و معایب آموزش الکترونیکی را باهم می‌بینند؛ از بعضی جهات نگاه مثبت به آن دارند و از بعضی جهات نگاه منفی. شاید بتوان گفت این یادگیرندگان فضایی که تازه با آن مواجه شده‌اند را سایه روشن می‌بینند که سرگیجه و سردرگمی برای آنها به ارمغان می‌آورد. به درستی موقعیت خود را درک نمی‌کنند و حتی به درستی نمی‌دانند که آیا آن را دوست دارند یا ندارند؟ آیا باعث یادگیری آنها می‌شود یا نمی‌شود؟ برنامه زندگی عده‌ای به هم ریخته و در یک تعلیق به سر می‌برند؛ به عبارت دیگر، این دسته از مشارکت‌کنندگان، رکن اصلی آموزش الکترونیکی را تعلیق می‌بینند که در مقابل آن نمی‌توانند تصمیم جدی بگیرند و همیشه در اضطراب و فشار هستند. گویی لب پرتگاهی ایستاده‌اند و بدون ثبات، هنوز چشم‌اندازی ندارند. فضای مجازی هم نکات مثبت دارد و هم نکات منفی... واقعاً نمی‌دانم که خوب است یا نه؟ حس مبهمی بهش دارم. (کارشناسی، دانشگاه مازندران)

فضای مجازی یک چیز مبهم هست. من با این آموزش، احساس بلاتکلیفی می‌کنم. نمی‌دانم دانشجو هستم یا نیستم. (کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران)

آموزش الکترونیکی به مثابه مدرسه موش‌ها؛ مشارکت‌کنندگانی که آموزش الکترونیکی را به کارتون مدرسه موش‌ها تعبیر می‌کنند نقطه اشتراک را در فقدان عدالت آموزشی می‌بینند. این نوع یادگیرندگان، نظام سلسله‌مراتبی موجود که بر تصمیم‌ها و سیاست‌های نظام آموزشی سایه افکنده را زیر سؤال می‌برند؛ چرا که معتقدند برخلاف انتظار و فلسفه بیان شده، نظام آموزش الکترونیکی شکاف عمیقی در فرصت‌های برابر آموزشی و عدالت آموزشی ایجاد کرده است و مانند همیشه فقیرها بی‌سوادتر و بازمانده از تحصیل و ثروتمندها باسوادتر و موفق در مراحل تحصیل می‌شوند؛ چرا که بستر و زیرساخت آموزش الکترونیکی چنین اقتضایی دارد و چه بسا این شکاف‌ها را عمیق‌تر و عیان‌تر کرده و خواهد کرد. بی‌توجهی به تفاوت‌های شهروندان در مناطق شهری و روستایی و مناطق پرت از یک‌سو و توانمندی در تهیه ابزار مورد نیاز برای آموزش الکترونیکی از سوی دیگر، تفاوت‌هایی را در نحوه برنامه‌ریزی می‌خواهد که با سیستم موجود هم‌خوانی ندارد.

بسته‌های اینترنتی برای بعضی‌ها گران هستند به طوری که اکثر دانشجویان فایل‌هایی که استادان می‌فرستند به خاطر اینکه بسته اینترنت‌شان زود تمام نشود دانلود نمی‌کنند... مثل مدرسه موش‌ها شدیم که هیچ‌کس به اندازه کافی و عادلانه از امکانات استفاده نمی‌کرد؛ اما آخرش همه با یک سیستم نمره می‌گرفتند! (کارشناسی، دانشگاه مازندران)

من در یک روستا زندگی می‌کنم و دسترسی به امکانات اینترنتی ندارم. برای یک فایل دانلود کردن یا فرستادن، باید ۴۵ دقیقه بایم داخل شهر که بروم یک کافی نت. واقعاً برای من و کسانی با شرایط من خیلی سخت است. (کارشناسی، دانشگاه مازندران)

به نظر من این آموزش هم مثل بقیه نظام آموزشی پر از نابرابری و ناعدالتی هست. ما در روستا زندگی می‌کنیم و خیلی هم هستند مثل من که در روستا زندگی می‌کنند که واقعاً دسترسی به اینترنت اینجا سخت است. ما اصلاً کلاس‌ها را نمی‌توانیم آنلاین برویم. یکی از ما می‌رود شهر، فایل‌ها را دانلود می‌کند و می‌آورد برای بقیه... برای عدم حضور هم نمره از ما کم می‌کنند استادان. (کارشناسی، دانشگاه مازندران)

من گوشی هوشمند ندارم. در خانه ما فقط پدرم گوشی اندروید مدل پایین دارد که همه ما به آن وصل هستیم. ما فقط تایم‌های خاصی می‌توانیم از گوشی استفاده کنیم؛ به خاطر همین من اصلاً نمی‌توانم همه کلاس‌هایم را آنلاین باشم. (کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران)

بحث و نتیجه‌گیری

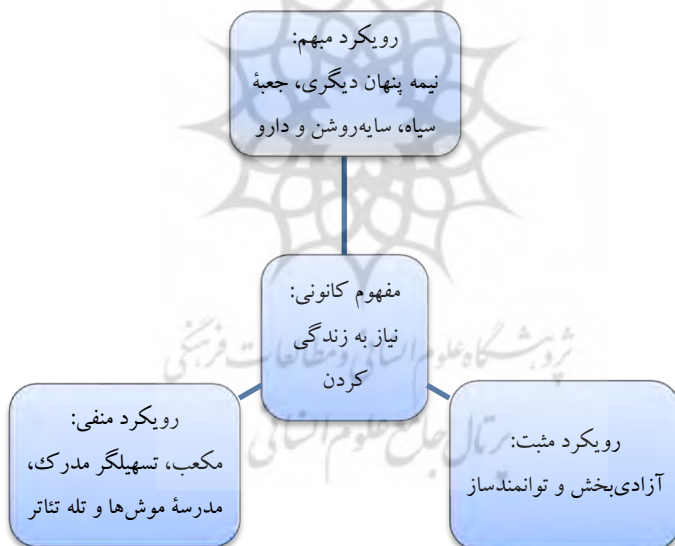
از مهم‌ترین اقدامات در شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، پایش وضع موجود و فهم نتایج و پیامدهای آن است. با توجه به شرایط ایجاد شده که آموزش الکترونیکی در سطوح مختلف نظام آموزشی وارد شده، پایش مداوم آن ضرورت دارد. از آنجاکه استعاره زبان اندیشیدن است این مقاله با ارائه استعاره‌ها، فرصتی برای اندیشیدن بیش‌تر از این طریق فراهم کرده است؛ چرا که در عصر پیچیدگی، مبتنی بر نظر لیکاف و جانسون، استعاره امری تزیینی یا مخصوص زبان ادبی نیست بلکه ابزاری برای مفهوم‌سازی تجربه و نشانگر درهم تنیدگی زبان و تفکر است. شاید بتوان گفت آنجایی که با علم و هنر کنار هم قرار می‌گیرند تشخیص علمی از طریق واژگان افراد غیرمتخصص پلی برای ایجاد آسودگی و افزایش فهم به وسیلهٔ زبانی واسطی و قابل درک است که از این منظر در تعلیم و تربیت زبان استعاره‌ها زبانی قدرتمند است.

در این پژوهش با در کنار هم قرار دادن استعاره‌ها سه دسته تصویر شکل گرفته از این نوع آموزش در ذهن مشارکت‌کنندگان که دانشجویان علوم تربیتی هستند ظاهر می‌شود. دستهٔ اول این استعاره‌ها نشان‌دهنده رویکرد مثبت دانشجویان به این نوع آموزش است. استعاره‌های آموزش الکترونیکی به مثابه آزادی‌بخش و توانمندساز در این دسته قرار می‌گیرند. با توجه به محتوای تشکیل‌دهنده استعاره آزادی‌بخش، به خوبی نشان داده می‌شود مشارکت‌کنندگان در ارائه تصویر مفهومی، به نکاتی اشاره دارند که آموزش الکترونیکی باعث ایجاد آن‌ها شده است؛ به عبارت دیگر این نفس آموزش الکترونیکی نبوده و نیست که آزادی‌بخشی را به همراه آورده است بلکه ضعف سیستم سابق چنین شرایطی را به تعبیر آزادی‌بخشی گره زده است. با این همه، آموزش الکترونیکی، با تمام شرایطی که دارد تا حد زیادی بستر توانمندسازی را فراهم و تابوهای زیادی را ویران کرده است. یکی از این تابوها استفاده از روش‌های آموزشی ثابت

و انعطاف‌ناپذیری در زمان و مکان و محتوای آموزشی است که اکنون به یمن رسمیت آموزش الکترونیکی تغییر کرده است. این فرصت، زمینه را برای توان افزایی هم در دانشجویان، هم استادان و دیگر ذینفعان نظام آموزشی فراهم کرده است؛ چه از حیث زیرساخت‌ها و چه توان‌افزایی نرم‌افزاری. افزون بر این، فرصت‌هایی را برای زیست بهتر برای مشارکت‌کنندگان فراهم نموده است.

دسته دوم استعاره‌ها، رویکرد منفی به آموزش الکترونیکی را در نزد مشارکت‌کنندگان به نمایش می‌گذارد. استعاره‌های مکعب، تسهیل‌گر مدرک، مدرسه موش‌ها و تله تئاتر به نوعی بر فضای سرد و ساختگی آموزش الکترونیکی اشاره دارند که آستن تشدید ناهنجاری‌هایی مانند بسط ناعادالتی در آموزش است که به تولید انبوه مدرک دانشگاهی کم کیفیت کمک می‌کند. دو استعاره تله تئاتر و مکعب نشان می‌دهند کیفیت آموزشی هرچه که باشد حضور در محیط دانشگاهی و روابط انسانی دانشجویان با یکدیگر و استادانشان و تنفس در فضای تعاملی موضوعیت دارد و به حیات آکادمیک معنایی ویژه می‌بخشد که در صورت نبودن، مفهوم آموزش و یادگیری را تغییر خواهد داد؛ یعنی این استعاره‌ها به ماهیت آموزش حضوری و فقدان آن در آموزش الکترونیکی اشاره دارد؛ بنابراین در هر شرایطی حتی اگر آموزش مجازی به عنوان یک استراتژی آموزشی انتخاب شود کافی نیست و لازم است به بسترهای تعاملی توجه شود؛ کما اینکه صاحب‌نظران تکنولوژی آموزشی در ارائه پلتفرم‌ها نیز حتی در بستر مجازی گاه به این نکته توجه دارند که خود این توجه باعث ایجاد ارزش افزوده در محصول می‌شود؛ اما استعاره‌های تسهیل‌گر مدرک و مدرسه موش‌ها بازنمایی جدیدی از ضعف سیستم قبلی است که آموزش الکترونیکی آن را تسهیل و تسریع کرده است؛ به عبارت دیگر، گویی آموزش مجازی فضایی گشاده است تا فرصت‌طلبان سریع‌تر بتوانند پلکان رسیدن به مدرک را طی کنند. از سوی دیگر به سهولت عدالت آموزشی با فرافکنی به سویی رها می‌شود. فرافکنی از این رو است که بدون در نظر گرفتن شرایط متفاوت، سیستم ارزشیابی هم‌چنان راه خود را می‌رود و گاهی حداکثر کاری که انجام می‌شود اغماض در نمره‌دهی است والا بدون توجه به شرایط، همه در چشم ماشین نمره‌دهی یکسان‌اند.

دسته سوم استعاره‌ها رویکردی مبهم دارد. استعاره ظهور نیمه پنهان دیگری، جعبه سیاه، سایه‌روشن و دارو در این دسته قرار می‌گیرند. دارو هرچند خوش نیست؛ اما گاهی ضرورت دارد و چاره دیگری پیش پای مخاطب نیست؛ یعنی در شرایط کنونی و پس از آن وجودش را باید پذیرفت. سایه‌روشن، جعبه سیاه و ظهور نیمه پنهان دیگری بر ابهامی گیج کننده اشاره دارد که مشارکت کننده را در ارزیابی به انفعال می‌کشاند. گویی هنوز نسبت خود را در این فضای جدید نمی‌شناسد و نتوانسته به حضور در این فضا معنای خوشایند و روشنی بدهد؛ کما اینکه نگرانی و اضطراب را در انواع استعاره‌های نوع سوم که بیش‌ترین فراوانی اشاره توسط مشارکت کنندگان را داشته‌اند می‌شود مشاهده کرد؛ بنابراین رفع این ابهام پس از عبور از این دوران نیازمند بررسی مجدد است.



شکل ۱- دسته بندی استعاره‌های شکل گرفته درباره آموزش الکترونیکی و مفهوم کانونی در این نوع آموزش

از جمله مفهوم کانونی اشاره شده در این استعاره‌ها «نیاز به زندگی کردن» است که باب میل مشارکت کنندگان باشد. احساس اینکه در شرایط آموزش الکترونیکی بین تحصیل و زندگی

تبادل برقرار شده، حضور آرامش بخش در کنار خانواده در حین تحصیل، برنامه‌ریزی و پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه دیگر از جمله نکات قابل تأملی است که این سؤال را می‌تواند ایجاد کند که آیا زیست دانشجویی به درستی رخ می‌دهد یا دانشجویان در دوره تحصیلی خود فاقد چنین لذت و فراهم شدن چنین فضایی برای افزایش مهارت‌های زندگی و آمادگی برای سایر تعاملات اجتماعی هستند؟ اهمیت توجه به این سؤال و بازبینی سیاست‌ها آنجایی اهمیت بیش‌تر می‌یابد که مشاهده می‌شود شرایط موجود این اندیشه را در برخی ایجاد کرده که آیا برای ادامه تحصیل خوب است به تحصیل الکترونیکی بماند یا نه؟

با این وصف به نظر می‌رسد چه شرایط کنونی ادامه پیدا کند یا آموزش حضوری شود به هر حال با زیرساخت‌های ایجاد شده و تقاضاهای شکل گرفته، بخشی از آموزش الکترونیکی باقی خواهد ماند؛ بنابراین سیاست‌گذاری در آموزش الکترونیکی و توجه به آسیب‌های احتمالی ضرورت دارد به طوری که مانند بسیاری از تجارب دیگر ما را گرفتار پیامد نامطلوب نکند که پیشگیری بهتر از درمان است.

References

- Alvani, M. (2019). *General Management*, Tehran: Nei Press, Version 3, (in Persian)
- Danaee Fard, H., & Shekari, H. (2010). Promoting Interpretive Paradigm in Organizational Theory: A Reflection on Organizational Storytelling Approach. *Organizational Culture Management*, 8 (21), 33-62. (in Persian)
- Darzi, Gh. (2018). Metaphor and interdisciplinarity: Explaining the metaphors application in the interdisciplinary research. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 10 (2), 1-26. (in Persian)
- Ebrahimi, A., Abbasi, A., & Karanjam, S. (2019). Galactic Model: A New Cultural Metaphor (Case of Muhammad Rasulullah Research Tower of Shiraz University of Medical Science). *Organizational Culture Management*, 17 (1), 145-172 (in Persian)
- Fichtner, B. (1999). Metaphor and learning activity In Yrjö Engeström, Reijo M. & Raija-Leena P. (eds.), *Perspectives on Activity Theory*. Cambridge University Press, 314-324.
- Gallagher, P. (2004). How the metaphor of a gap between theory and practice has influenced nursing education, *Nurse Education* 24, 263-268. Available at: www.Elsevierhealth.com/journals/nedt
- Golfam, A., Yousefi rad F. (2002). Cognitive Linguistics and Metaphors. *Advances in Cognitive Sciences.*; 4 (3), 59-64 (in Persian)
- Haji, J., Mohammadi Mehr, M., & Muhammad azar, H.(2021). Describing the Problems of virtual Education via Shad application in Corona Pandemic: This is a phenomenological study, *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*,11(3), 153-174. (in Persian)
- Hasani, M., gholam azad,S., & Naveedy, A.(2021). Iranian teachers' Lived experience of virtual teaching in the early days of the coronavirus epidemic, *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*,12(1), 87-107. (in Persian)
- Karimi, M.(2021). Phenomenological analysis of the lived experiences of professors and students of virtual education in the Iranian higher education system, *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*,11(4), 153-174. (in Persian)
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Conceptual metaphor in everyday language. *The Journal of Philosophy*, 77, 453-486.
- Maltby, A., & Mackie, S. (2009). Virtual learning environments–help or hindrance for the ‘disengaged’ student?. *ALT-J*, 17(1), 49-62.
- Mon, M., Usagawa, T. (2018). Change in E-learning Readiness and Challenge for Myanmar Higher Education. *Creative Education*, 9(09), 1277-1286

- Moradi, A., & Kordlu, M. (2019). Phenomenology of ethical bottlenecks in e-learning in iranian virtual higher education. *Information and Communication Technology in Education Sciences*, 9 (4), 61-76. (in Persian)
- Olson, M. H., & Hergenbahn, B. R. (2010). *An Introduction to Theories of Learning*. Translated by: Ali Akbar Saif, Tehran, Doran Press, version. (in Persian)
- Sadeghzadeh Ghamsari, A.(2020). Explanation and philosophical critique of three educational approaches to cyberspace based on the Islamic perspective, *Philosophy of Education Society of Iran.*, (in Persian).
- Schwier, R. (2002). Shaping the metaphor of community in online learning environments. *Retrieved online* on October 20, 2006, from <http://cde.athabascau.ca/ISEC2002/papers/schwier.pdf>
- Shahri, B. (2012). Metaphor and Ideology. *Literary Criticism*, 5 (19), 121-150. (in Persian)
- Vahabian, M., & Izadifar, R. (2019). Use of metaphor in expressing cancer. *Comparative Linguistic Research*, 9 (18), 207-224. (in Persian)
- Zangui, A., Shabani Vorki, B., Fotuhi, M., & Masudi, J. (2010). Mataphor: Concept Theories and its educational functions, *Foundations of Education*, 11 (1), 77-108. (in Persian)

